نقش تعدیل‌کننده انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در رابطه بین کمال‌گرایی و رغبت به ازدواج دانشجویان

فاطمه آزمون[1]
رؤیا رسولی[2]
عباس عبداللهی[3]

چکیده

با توجه به افزایش سن ازدواج و کاهش تمایل جوانان به ازدواج، شناسایی عوامل مؤثر بر این پدیده از اهمیت بسزایی برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل‌کنندگی انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در رابطه بین کمال‌گرایی و رغبت به ازدواج انجام شد. این مطالعه توصیفی ـ همبستگی بر روی ۳۰۴ دانشجوی مجرد دانشگاه الزهرا انجام گرفت که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه رغبت به ازدواج (۱۳۸۹)، مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی (هویت و فلت، ۱۹۹۱) و پرسشنامه چندبعدی انعطاف‌پذیری روان‌شناختی (۲۰۱۸) بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS و از طریق روش مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند. نتایج نشان داد که کمال‌گرایی خودمحور و کمال‌گرایی دگرمحور با رغبت به ازدواج رابطه منفی معنادار دارند؛ در حالی که کمال‌گرایی جامعه‌محور ارتباط معناداری با رغبت به ازدواج نداشت. همچنین انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با رغبت به ازدواج رابطه مثبت معنادار و انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی با رغبت به ازدواج رابطه منفی معنادار داشت. در نهایت تحلیل اثر تعدیل‌گری نشان داد که

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.
fatemehazmoun87@gmail.com

۲. دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.(نویسنده مسئول)
r.rasouli@alzahra.ac.ir

۳. استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.
abdollahi.Abbas58@gmail.com

انعطاف‌پذیری روان‌شـناختی قادر به تعدیل رابطه بین کمال‌گرایی و رغبت به ازدواج اسـت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن اسـت کـه می‌توان بـا تقویت انعطاف‌پذیری روان‌شـناختی و اصلاح الگوهـای کمال‌گرایی ناسـازگار، تمایل به ازدواج را در جوانان افزایش داد. این نتایج می‌تواند مبنایی برای تدوین مداخلات روان‌شناختی مؤثر در حوزه ازدواج و خانواده باشد.

واژگان کلیدی: انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، رغبت به ازدواج، کمال‌گرایی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین نهادهای اجتماعی، خانواده است که در سراسر تاریخ بشر، نهادی ثابت و پایدار است(استرانگ و کوهن،[1] ۲۰۱۳). خانواده با ازدواج موجودیت پیدا می‌کند و پایه و اساس تشکیل آن، ازدواج است. ازدواج، پیمان مقدسی است که در همه جوامع رسمی مهم تلقی می‌شود(مداتیل و بنشف،[2] ۲۰۰۸) و نقش بسزایی در تداوم و بقای بشر، تربیت و پیراستگی اخلاقی و شخصیت بخشی مردان و زنان دارد و از طریق ایجاد بستری امن برای برآوردن نیازهای عاطفی و روانی اعضای خانواده، نقش مهمی در کارکرد جامعه بر عهده دارد(دیکسون،[3] ۲۰۱۳).

ازدواج و تشکیل خانواده در تعالیم اسلامی نیز به عنوان یکی از بنیادی‌ترین و مقدس‌ترین نهادهای بشری معرفی شده است. در هیچ آموزه‌ای، بنیانی والاتر از این پیوند نزد پروردگار ترسیم نشده و قرآن کریم آن را منشأ آرامش و سکون حقیقی معرفی کرده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم: ۲۱). این آیه به روشنی نشان می‌دهد که ازدواج تنها یک پیوند جسمانی نیست؛ بلکه فرایندی عمیق و الهی است که در آن، محبت، مودت و آرامش متقابل میان زوجین شکل می‌گیرد و زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان می‌شود. در این راستا ازدواج نه تنها نقش مهمی در تأمین نیازهای فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند؛ بلکه بستری برای تحقق اهداف والای خلقت از جمله تکامل روحی، استمرار نسل و ایفای نقش جانشینی خداوند بر زمین محسوب می‌شود.

از دیدگاه اسلامی ازدواج تنها وسیله‌ای برای رفع نیازهای زیستی یا بقای نسل نیست؛ بلکه در سطحی فراتر اتحاد روح‌ها، تکمیل کمبودهای عاطفی و معنوی و هم‌افزایی در مسیر رشد و کمال انسانی را به همراه دارد. هر یک از زوجین نه تنها در مقام یک همراه، بلکه به عنوان عاملی برای تعالی و تکامل دیگری نقش‌آفرینی می‌کنند. این نگرش بر خلاف دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه به ازدواج، آن را فراتر از یک قرارداد اجتماعی یا زیستی می‌داند و

1. Strong & Cohen
2. Madathil & Benshoff
3. Dixon

آن را یک پیمان مقدس الهی معرفی می‌کند که در پرتو آن، انسان به آرامش درونی دست می‌یابد و مسیر سعادت و معنویت را طی می‌کند. در این میان ازدواج مشروع و پایدار، بنیانی اساسی برای تحقق عدالت اجتماعی، سلامت روانی و اخلاقی جامعه و توسعه انسانی است که هم بر فرد و هم بر اجتماع تأثیرگذار است.

با وجود اهمیت این پدیده و کارکردهای مثبت آن، در دهه‌های اخیر شاهد افزایش متوسط سن ازدواج و به تأخیر افتادن آن در سطح جهانی هستیم(کرایدر والیس،[1] ۲۰۱۱). در کشور ایران نیز افزایش سن ازدواج روندی فزاینده داشته است(حیدری، مظاهری و پوراعتماد، ۱۳۹۰). مطابق با گزارش سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۹۹، میانگین سن در اولین ازدواج برای پسران ۲۹/۹ سال و برای دختران ۲۵/۰ سال گزارش شده است که نسبت به ۸ سال گذشته برای دختران ۱/۷ سال و برای پسران ۲/۱ سال افزایش داشته است(سالنامه آمارهای جمعیتی، ۱۳۹۹) و این موضوع زنگ خطری برای جامعه ایران محسوب می‌شود.

عوامل بسیاری بر زمان و انگیزه جوانان برای اقدام به ازدواج تأثیرگذار هستند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، رغبت به ازدواج است(پورشریف، ۱۳۹۰). رغبت به ازدواج، تمایل فرد به انتخاب همسر و به اشتراک گذاشتن ویژگی‌ها، اهداف، افکار و نگرش‌های خود با آگاهی از اثرات مثبت و منفی آن بر زندگی است(هاسلم و مونروس،[2] ۲۰۱۵) و خصوصیتی است که افزون بر شرایط محیطی مانند شغل، مسکن، تحصیلات و غیره تحت تأثیر ویژگی‌های درونی مانند نگرش‌ها، اهداف، ویژگی‌های شخصیتی، انتظارات و توقعات قرار دارد.

یکی از عوامل مهم افزایش سن ازدواج، وجود موانع متعدد اقتصادی و اجتماعی است. بسیاری از جوانان در مسیر ازدواج با چالش‌هایی همچون نبود مسکن مناسب، بیکاری، گرایش به تجمل‌گرایی، رقابت‌های ناپسند اجتماعی، فقدان درآمد پایدار و افزایش معضلاتی مانند اعتیاد در جامعه مواجه هستند. این مشکلات نه تنها روند ازدواج را به تعویق می‌اندازند؛ بلکه بر پایداری و کیفیت زندگی زناشویی نیز تأثیر منفی می‌گذارند. سرواتی و وبر[3] (۲۰۱۰)، از

1. Kreider & Ellis
2. Hoslam & Montrose
3. Servaty & Weber

جملـه موانـع فردی را بی‌علاقگی به شـخصی خاص، باورها و عقاید غیرمعقـول، کمال‌گرایی و سخت‌پسندی در انتخاب همسر نام بردند. از جمله این باورهای محدودکننده عبارتند از: نیاز به تأیید شـدید از طرف مقابل، اعتقاد به اینکه همه امور باید منصفانه باشـد، باور به راحتی، نیاز به پیشرفت شدید و جاه‌طلبی و دست‌کم گرفتن خود و دیگران(آدیس[1]، ۲۰۰۲) که همه این موارد، زیر مجموعه سازه کمال‌گرایی قرار می‌گیرند. رضاخانی، قاسم‌آبادی و جان‌بخش(۱۳۸۹) نیز در پژوهشـی نشـان دادند که بین کمال‌گرایی و انگیزه نامناسـب برای ازدواج رابطه مثبتی وجود دارد و با افزایش کمال‌گرایی، انگیزه مناسب برای ازدواج کاهش پیدا می‌کند.

کمال‌گرایی سازه‌ای چند بعدی و ویژگی شخصیتی است که با تعیین معیارهای سطح بالا برای عملکرد و نگرانی‌های ارزیابانه در رابطه با عواقب فردی و اجتماعی ناکامی در رسیدن به این معیارها تعریف می‌شود(استوبر، موتیلینی و کور،[2] ۲۰۱۶) و گرایشی است که در تمام زمینه‌های زندگی نفـوذ می‌کنـد و می‌توانـد بر شـخصیت و روابط اجتماعـی افـراد تأثیر بگذارد(اسـتوبر و اسـتوبر،[3] ۲۰۰۹). پژوهش‌هـای اخیـر دریافته‌انـد که کمال‌گرایی سـازه‌ای چند بعدی اسـت که شـامل کمال‌گرایـی خودمدار(تعییـن اسـتانداردهای شـخصی بـالا و غیرواقع‌بینانـه بـرای خـود)، کمال‌گرایـی دیگرمدار(وضع ضوابط بـالا و غیرواقع‌بینانه برای دیگـران) و کمال‌گرایی جامعه‌مدار(بـاور فـرد بـر پایـه انتظـارات غیرواقع‌بینانـه‌ای که دیگـران از وی دارنـد و او خود را ملـزم بـه برآورده‌سـازی آن‌ها می‌کند) اسـت (هویـت و همـکاران،[4] ۲۰۰۶؛ هویت و فلـت، ۱۹۹۱). در افـراد کمال‌گـرا هر گونه شکسـت در امور زندگی از جمله ازدواج منجر بـه انتقادگری و موجب مداومت دید منفی آنان نسبت به خودشان و دیگران می‌شود. این افراد انتظارات خاصی از ازدواج و همسـر آینده خود دارند؛ از جمله آنکه همسرشـان بی‌عیب و نقص باشـد که همین امـر می‌توانـد به اضطـراب و تـرس از شکسـت در ازدواج بیانجامد. رضاخانی، قاسـم‌آبادی و جان‌بخـش(۱۳۸۹) در پژوهشـی نشـان دادنـد کـه افزایـش هر یـک از مؤلفه‌هـای کمال‌گرایی منجر به افزایش انگیزه‌ها و باورهای نامناسـب از ازدواج می‌شـود. همچنین پالانی(۱۳۹۵) در

1. Addis
2. Stoeber, Mutinelli & Corr
3. Stoeber & Stoeber
4. Hewitt,Flett,Sherry & Caelian

پژوهشی دریافت بین کمال‌گرایی و تمایل به ازدواج، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

تعهد زیاد افراد نسبت به معیارهای سخت‌گیرانه نشانه ضعف در شناخت انعطاف‌پذیر است(دنیس و وندروال،[1] ۲۰۱۰). اونگ(۲۰۲۱) در پژوهشی دریافت که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی می‌تواند تأثیر کمال‌گرایی متوسط و بالا را بر کیفیت زندگی مهار کند. تعدادی از محققین نیز ارتباط این دو متغیر را مورد بررسی قرار دادند(موروز و دانکلی،[2] ۲۰۱۵؛ سانتانلو و گاردنر،[3] ۲۰۰۷) و به این نتیجه رسیدند که فرایندهای درگیر در انعطاف روانی ممکن است در درک کمال‌گرایی مؤثر باشند.

مطابق با تعریف (دنیس و وندروال، ۲۰۱۰) انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، میزان ارزیابی فرد در مورد قابل کنترل بودن شرایط و قدرت تغییر آمایه‌های شناختی به منظور سازگاری با محرک‌های در حال تغییر محیطی تعریف شده است. از ویژگی‌های افراد با انعطاف‌پذیری پایین، تمایل به استفاده از استراتژی‌های بشدت ناسازگار است(گرکو، لامبرت و بائر،[4] ۲۰۰۸؛ کرازبی، بیتس وتوهیگ،[5] ۲۰۱۱) که این نوع واکنش غیر ارتجاعی نوعی شناخت همراه با کمال‌گرایی ناسازگار محسوب می‌شود(داگنو، براون و ویتاکر،[6] ۱۹۹۲؛ فلت و همکاران، ۲۰۱۶).

همچنین حسینیان، صالحی و یزدی(۱۴۰۱) و اکبرزاده و زهراکار(۱۴۰۱) در پژوهش‌های خود دریافتند بین انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و رضایت و سازگاری پس از ازدواج رابطه مثبت معناداری وجود دارد و افزایش آن می‌تواند در صمیمت و سازگاری ازدواج نقش بسزایی داشته باشد که اهمیت این سازه در ازدواج و موفقیت پس از آن را نشان می‌دهد. از آنجا که پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است و بیشتر آن‌ها به بررسی نقش این دو ویژگی در رضایت و موفقیت بعد از ازدواج پرداخته‌اند، بنابراین لزوم بررسی آن‌ها در حوزه قبل از ازدواج ضرورت دو چندان دارد.

1. Dennis & Vander Wal
2. Moroz & Dunkley
3. Santanello & Gardner
4. Greco, Lambert & Baer
5. Crosby, Bates & Twohig
6. Daigneault, Braun & Whitaker

پژوهش‌های موجود درباره افزایش سن ازدواج عمدتاً بر نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در شکل‌گیری این پدیده تمرکز داشته و کمتر به بررسی ابعاد روان‌شناختی مؤثر بر تمایل به ازدواج پرداخته‌اند. این در حالی است که شناخت موانع فردی مؤثر بر تأخیر در ازدواج، می‌تواند زمینه را برای تسهیل ازدواجی به‌موقع و مطلوب فراهم کند. ازاین‌رو پژوهش حاضر با در نظر گرفتن تأثیر مستقل متغیرهای مذکور، به بررسی نقش تعدیل‌کننده انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در رابطه میان ابعاد کمال‌گرایی و رغبت به ازدواج می‌پردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی(مدل معادلات ساختاری) است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از همه دانشجویان مجرد شاغل به تحصیل دانشگاه الزهرا، در سال تحصیلی ۱۴۰۲ ـ ۱۴۰۱ بود. به منظور برآورد حجم نمونه طبق نظر کلاین(۲۰۱۱) در مطالعاتی که از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار اموس استفاده می‌شود، حجم نمونه بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این اصل و با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود به پژوهش که شامل دانشجوی دانشگاه الزهرا بودن، مجرد بودن و نداشتن تجربه طلاق بود؛ پژوهشگر در نهایت توانست تعداد ۳۰۴ نفر نمونه را با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس جمع‌آوری کند. در نهایت به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در سطح آمار توصیفی از نرم‌افزارSpss نسخه ۲۶ و در سطح آمار استنباطی با استفاده از تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری از نرم‌افزار Amos نسخه ۲۴ استفاده شد.

برای ارزیابی رغبت به ازدواج از پرسشنامه رغبت به ازدواج نسخه دانشجویی(پرساد) استفاده شد. این پرسشنامه ۲۴ سؤالی توسط حیدری، مظاهری و پوراعتماد(۱۳۸۹) ساخته شده است و شامل ۲۳ سؤال ۵ گزینه‌ای و یک سؤال اضافی برای سن طلایی ازدواج است. پرسشنامه حاضر بر روی ۷۷۹ نفر اجرا و با استفاده از تحلیل عوامل و با روش چرخشی از نوع واریماکس، چهار عامل برای آن مشخص شد. برای نمره‌گذاری پرسشنامه از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شده است؛ بدین‌شکل که نمره‌گذاری سؤال‌های (۱، ۲، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۲ و ۲۳) به صورت (۵=کاملاً موافقم، ۴= موافقم، ۳= ممتنع، ۲= مخالفم و

۱=کاملاً مخالفم) و برای سؤال‌های (۳، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۰ و ۲۱) که نشان‌دهنده عدم رغبت به ازدواج هستند، به صورت (۱=کاملاً موافقم، ۲=موافقم، ۳=ممتنع، ۴=مخالفم و ۵=کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شود و جمع کل امتیازات، رغبت فرد نسبت به ازدواج را نشان می‌دهد. پایایی این مقیاس روی ۴۰ نفر آزمودنی ارزیابی شد. با روش باز آزمون با فاصله زمانی دو هفته ضریب همبستگی بین دو بار اجرای این آزمون برابر با ۰/۸۹ بود که در سطح احتمال ۰/۰۰۱ معنادار است. همسانی درونی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ محاسبه و ضریب به دست آمده برابر با ۹۲ درصد است. در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسشنامه به وسیله آلفای کرونباخ، ۸۹ درصد محاسبه شد.

سازه کمال‌گرایی توسط پرسشنامه کمال‌گرایی چندبعدی هویت و فلت اندازه‌گیری شد. این مقیاس در سال ۱۹۹۱ توسط هویت و فلت ساخته شده است و در ایران به دست بشارت روی نمونه ایرانی هنجاریابی و اعتباریابی شده است. این مقیاس، یک آزمون ۳۰ سؤالی است که ده ماده اول آن کمال‌گرایی خودمدار، ده ماده دوم کمال‌گرایی دیگرمدار و ده ماده سوم کمال‌گرایی جامعه‌مدار را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. نمره‌گذاری این مقیاس بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای انجام می‌شود که گزینه‌های آن به صورت (۵=کاملاً موافق، ۴=موافق، ۳=نظری ندارم، ۲=مخالف، ۱=کاملاً مخالف) نمره می‌گیرند. مجموع این امتیازات میزان کمال‌گرایی فرد را مشخص می‌کند. هویت و فلت در پژوهش خود روی نمونه ۲۳۶ نفری، هماهنگی درونی مقیاس خود را قابل پذیرش اعلام کردند که به ترتیب برای کمال‌گرایی خودمدار، دیگرمدار و جامعه‌مدار برابر با ۰/۸۸، ۰/۷۴، ۰/۸۱ درصد بوده است. در اعتباریابی مقدماتی فرم ایرانی، این مقیاس روی یک نمونه ۱۸۰ نفری از دانشجویان دانشکده‌های مختلف داشگاه تهران، آلفای کرونباخ به‌دست آمده برای کمال‌گرایی خویشتن‌مدار ۰/۹۰، برای کمال‌گرایی دیگرمدار ۰/۸۳ و برای کمال‌گرایی جامعه‌مدار ۰/۷۸ درصد بوده است که نشانه همسانی درونی بالای این مقیاس است. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۳ به دست آمد و برای هر یک از خرده مقیاس‌های کمال‌گرایی خودمحور، کمال‌گرایی دیگرمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۸ و ۰/۸۹ محاسبه شد.

مقیاس بعدی پرسشنامه چند بعدی انعطاف‌پذیری روان‌شناختی(MPFI) بود که توسط رولفس و همکاران(۲۰۱۸) ساخته شده و در ایران توسط آزادفر و عبداللهی بر روی نمونه ۳۰۷ نفری اجرا و هنجاریابی شده است. این پرسشنامه یک مقیاس خودگزارشی ۶۰ ماده‌ای جدید است که برای ارزیابی مؤلفه‌های خاص انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عدم انعطاف‌پذیری توسعه یافته است. این پرسشنامه از ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده است و هر خرده مقیاس با ۵ گویه ارزیابی می‌شود و دارای طیف لیکرت ۶ درجه‌ای است که گزینه‌های آن به صورت(۱=هرگز، ۲=بسیار به ندرت، ۳=به ندرت، ۴=گاهی اوقات، ۵=اغلب، ۶=همیشه) نمره‌گذاری می‌شوند. رولفس و همکاران در نتایج خود آلفای کرونباخ ۰/۸۷ تا ۰/۹۷ درصد را برای ۱۲خرده مقیاس گزارش کرده‌اند. همچنین نتایج تحلیل عاملی و شاخص‌های AVE بزرگتر از ۰/۵ و CR بزرگتر از ۰/۷ نشان‌دهنده این است که مقیاس از روایی و قابلیت اعتماد خوبی برخوردار است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای انعطاف‌پذیری روان‌شناختی ۰/۹۲ و برای عدم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی ۰/۹۳ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت اطلاعات توصیفی مرتبط با ابزارهای پژوهش ارائه شده است. میانگین، انحراف استاندارد و شاخص‌های کجی و کشیدگی هر یک از متغیرهای مربوط به ابزارهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱ـ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
انعطاف‌پذیری روان‌شناختی	۳۵	۱۵۲	۱۲۸/۶۹	۱۹/۲۱	-۰/۴۵	۰/۴۳
ـ پذیرش	۷	۲۹	۱۹/۰۹	۳/۸۹	-۰/۴۰	۰/۵۰
ـ آگاهی نسبت به زمان حال	۹	۳۰	۲۳/۷۹	۳/۶۶	-۰/۷۷	۱/۲۳
ـ خود به عنوان محتوا	۵	۳۰	۲۱/۲۶	۴/۶۴	-۰/۵۸	۰/۵۳
ـ هم‌جوشی‌زدایی	۵	۳۰	۱۷/۵۵	۵/۴۳	-۰/۲۱	-۰/۵۷

متغیر	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
ـ ارزش	۹	۳۰	۲۴/۱۸	۳/۸۸	-۰/۹۲	۱/۴۴
ـ اقدام متعهدانه	۵	۳۰	۲۲/۸۲	۴/۴۲	-۰/۵۱	۰/۳۰
انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی	۴۳	۱۸۰	۱۰۴/۹۵	۲۲/۸۶	-۰/۱۶	۰/۴۵
ـ تجربه اجتناب	۵	۳۰	۱۹/۹۶	۴/۹۳	-۰/۳۵	۰/۰۹
ـ عدم آگاهی نسبت به زمان حال	۵	۳۰	۱۶/۱۳	۵/۱۵	۰/۰۷	-۰/۳۸
ـ خود به عنوان محتوا	۵	۳۰	۱۷/۴۷	۶/۲۱	-۰/۲۳	-۰/۷۸
ـ هم‌جوشی	۵	۳۰	۱۸/۶۳	۵/۶۹	-۰/۲۹	-۰/۳۶
ـ عدم ارتباط به ارزش‌ها	۵	۳۰	۱۴/۸۵	۵/۰۹	۰/۱۰	-۰/۲۳
ـ عمل نکردن	۵	۳۰	۱۷/۹۰	۵/۷۱	-۰/۱۸	-۰/۴۱
کمال‌گرایی	۴۵	۱۳۳	۹۰/۸۸	۱۷/۷۴	-۰/۱۸	-۰/۲۸
ـ کمال‌گرایی خودمحور	۱۰	۴۶	۳۰/۲۷	۷/۵۵	-۰/۳۰	-۰/۴۰
ـ کمال‌گرایی دگرمحور	۱۷	۴۷	۳۱/۰۹	۶/۱۱	-۰/۰۶	-۰/۳۶
ـ کمال‌گرایی جامعه‌محور	۱۰	۴۸	۲۹/۵۲	۸/۱۶	-۰/۲۲	-۰/۶۰
رغبت به ازدواج	۳۰	۱۰۱	۶۴/۵۷	۱۴/۱۳	۰/۰۳	-۰/۳۰
ـ بازخورد نسبت به ازدواج	۸	۴۰	۲۳/۲۰	۶/۷۶	۰/۱۵	-۰/۴۴
ـ نگرش نسبت به ازدواج	۷	۳۴	۲۰/۷۵	۵/۹۳	-۰/۰۳	-۰/۷۹
ـ آمادگی برای ازدواج	۷	۲۲	۱۳/۱۹	۳/۰۵	۰/۴۳	-۰/۱۹
ـ موانع ازدواج	۳	۱۳	۷/۴۳	۲/۱۵	-۰/۰۴	-۰/۳۹

برای ارزیابی بهنجار بودن داده‌ها از دو شاخص کجی و کشیدگی استفاده شد که با توجه به جدول ۱، میزان کجی داده‌ها بین ۲± و میزان کشیدگی بین ۳± قرار دارد که حاکی از بهنجار بودن توزیع داده‌های پژوهش است (تاباچنیک و فیدل[1]، ۲۰۱۴). سپس به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی فرضیه‌های پژوهش از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده

1. Tabachnick &Fidell

شـده اسـت. در ارزیابی مدل پیشـنهادی پژوهش با اسـتفاده از روش مدل‌سـازی معادلات سـاختاری، از رویکرد دو مرحله‌ای اسـتفاده شده است. در مرحله اول از روش تحلیل عاملی تأییدی (CFA) برای ارزیابی مدل‌های اندازه‌گیری اسـتفاده شـد. در تحلیل عاملی تأییدی، قابلیت اطمینان و اعتبار مدل اندازه‌گیری مورد بررسـی قرار گرفت و در مرحله دوم، اعتبار و برازش مناسب مدل با توجه به ساختار داده‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت.

جدول ۲ـ برازش کلی مدل پژوهش

مدل	CMIN/DF	P	GFI	CFI	NFI	RMSEA
مدل مفروض	۱/۷۲	۰/۰۰۱	۰/۸۳	۰/۹۰	۰/۷۹	۰/۰۴
مدل اشباع			۱	۱	۱	
مدل استقلال	۴/۵	۰/۰۰۱	۰/۰۷۶	۰	۰	۰/۱۰

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول فوق، شاخص کای اسکوئر هنجار شده (CMIN/DF) برابر با ۱/۷ است که نشان می‌دهد مدل از وضعیت خوبی برخوردار است. مقدار شاخص CFI به عنوان شاخص تطبیقی، بالای ۰/۹ و مطلوب است و مقدار شاخص RMSEA نیز به عنوان مهم‌ترین شاخص برازش کلی، برابر با ۰/۰۴۰ و نشانگر این است که مدل از برازش نسبتاً خوبی برخوردار اسـت. پس از آن به اندازه‌گیری مدل سـاختاری پرداخته شـد که در آن کمال‌گرایی خودمحـور، کمال‌گرایی دگرمحـور، کمال‌گرایی جامعه‌محور، انعطاف‌پذیری روان‌شـناختی و انعطاف‌ناپذیری روان‌شـناختی (متغیرهای پیش‌بین) به عنوان متغیر برون‌زا و متغیر رغبت به ازدواج (متغیر ملاک) به عنوان متغیر درون‌زا هستند که به صورت زیر است (شکل۱):

PF
PINF
Willingness
Self_orientedP
Other_orientedP
Socially_orientedP
Ac
PMA
SaC
De
Va
CA
Ac_IN
PMA_IN
SaC_IN
De_IN
Va_IN
CA_IN
Readiness
Feedback
Attitude
obstacle
.27
-.13
-.18
-.17
-.10
.61
.75
.76
.57
.56
.38
.89
.50
.25
.82
.79
.67
.00
.41
.37
.48
.74
.77
.60
.67
.63
.58
.80
.76
.68
.87
.75
.47
.39
.63
.55
.64
.59
.60
.41
.35
.40
.47
.52
.32
.34
.49
.45
.46
.67
.68
.82
.31
.39

نتایج فرضیات مدل ساختاری بیانگر این بود که بین کمال‌گرایی خودمحور و کمال‌گرایی دگرمحور با رغبت به ازدواج، رابطه منفی معنادار بین کمال‌گرایی جامعه‌محور با رغبت به ازدواج، رابطه منفی غیر معناداری وجود دارد. همچنین انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با رغبت به ازدواج، رابطه مثبت معنادار و انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی با رغبت به ازدواج، رابطه منفی معناداری دارد که در جدول ۳ ارزش‌های عددی بتا و سطح معناداری قابل مشاهده است:

جدول ۳ـ مدل ساختاری رغبت به ازدواج

فرضیه پژوهش			سطح معناداری	ضریب رگرسیون (بتا)
کمال‌گرایی خودمحور	<---	رغبت به ازدواج	۰/۰۲	-۰/۱۷
کمال‌گرایی دگر محور	<---		۰/۰۲	-۰/۱۸
کمال‌گرایی جامعه محور	<---		۰/۱۵	-۰/۱
انعطاف‌پذیری روان‌شناختی	<---		۰/۰۰۳	۰/۲۷
انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی	<---		۰/۰۴	-۰/۱۳

برای سنجش نقش تعدیل‌گری از روش تحلیل مدل برای گروه‌های مختلف استفاده شد. به این صورت که بر مبنای میانه نمرات انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، افراد را به دو گروه پایین و بالا تقسیم شد. تعداد گروه پایین ۱۵۴ نفر و گروه بالا برابر با ۱۵۰ نفر است. برای ایجاد یک اثر تعدیل‌گر در مدل کلی، باید نشان داده شود که مدل متغیر (به این معنی است که بین مدل مفروض برای یک گروه با مدل مفروض برای گروه دیگر تفاوت وجود دارد) بهتر از مدل ثابت (به این معنی است که بین مدل مفروض برای یک گروه با مدل مفروض برای گروه دیگر تفاوت وجود ندارد) است و اگر شاخص‌های برازش برای مدل متغیر بهتر از مدل ثابت باشد، این نتیجه حاصل می‌شود که متغیر تعدیل‌گر نقش تعدیل‌گری ایفا کرده است. نتایج

جدول ۴ نشـان داد که شـاخص‌های برازش در مدل متغیر، بهتر از مدل ثابت اسـت و بیانگر نقش تعدیل‌گری انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در مدل مفروض است.

جدول ۴ـ نقش تعدیل‌گری انعطاف‌پذیری روان‌شناختی

سازه	سازه	بالا	پایین
		ضریب بتا (سطح معناداری)	ضریب بتا (سطح معناداری)
کمال‌گرایی خودمحور	رغبت به ازدواج	.۰۴ (۰/۱۷)	۰/۲۸-(۰/۰۰۲)
کمال‌گرایی دگرمحور	رغبت به ازدواج	۰/۰۵-(۰/۱۵)	۰/۱۹-(۰/۰۰۳)
کمال‌گرایی جامعه‌محور	رغبت به ازدواج	۰/۰۸-(۰/۱۳)	۰/۱۱-(۰/۰۷)

همچنین نتایج جدول ۵ نشان داد که شاخص‌های برازش در مدل متغیر کمی بهتر از مدل ثابت است و بیانگر نقش تعدیل‌گری انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی در مدل مفروض است.

جدول ۵ـ نقش تعدیل‌گری انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی

سازه	سازه	بالا	پایین
		ضریب بتا (سطح معناداری)	ضریب بتا (سطح معناداری)
کمال‌گرایی خودمحور	رغبت به ازدواج	.۰۶ (۰/۵۷)	۰/۳۹-(۰/۰۰۳)
کمال‌گرایی دگرمحور	رغبت به ازدواج	۰/۳۷-(۰/۰۰۹)	۰/۱۰(۰/۲۷)
کمال‌گرایی جامعه‌محور	رغبت به ازدواج	۰/۰۲-(۰/۸)	۰/۱۰-(۰/۲۷)

همان‌گونـه کـه ملاحظـه شـد، متغیـر تعدیل‌گـر انعطاف‌پذیـری روان‌شـناختی و انعطاف‌ناپذیـری روان‌شـناختی در رابطـه بین کمال‌گرایی خودمحـور و دگرمحور با رغبت به ازدواج نقـش تعدیل‌گری ایفا کرده اسـت، اما در رابطـه بین کمال‌گرایی جامعه‌محور با رغبت به ازدواج نقش تعدیل‌گر ایفا نکرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد بین کمال‌گرایی خودمحور و کمال‌گرایی دگرمحور با رغبت به ازدواج، رابطه منفی معناداری وجود دارد و بین کمال‌گرایی جامعه‌محور و رغبت به ازدواج، رابطه منفی غیرمعناداری یافت شد که این یافته‌ها با پژوهش پالانی(۱۳۹۵)، طرزی و ناعمی(۱۳۹۵)، رضاخانی و همکاران(۱۳۹۸) و استوبر(۲۰۱۲) همسو بود. در تبیین این یافته‌ها باید گفت از آنجا که کمال‌گرایی به معنی هدف‌گزاری برای رسیدن به بهترین‌ها در یک موضوع است و نیز اهمیتی که مسئله ازدواج در زندگی افراد دارد، این ویژگی باعث می‌شود فرد تلاش زیادی کند تا در ازدواج شکست نخورد؛ به نحوی که به خودش اجازه مرتکب شدن خطا را نمی‌دهد و بین فرد ایده‌آل خود و وضعیت موجود فاصله زیادی حس می‌کند. همچنین از آنجا که بعید است استانداردهای فرد کمال‌گرا به طور کامل برآورده شود، او شروع یک کار را به امید تکمیل کامل آن و فراهم شدن شرایط به تعویق می‌اندازد(شفران و منسل، ۲۰۰۱). در نتیجه همین امر موجب می‌شود دیر به ازدواج رضایت دهد و الگوهای غیرمنطقی و دور از دسترسی که نسبت به همسر آینده خود در ذهن ایجاد کرده است، مانع انتخاب همسر مناسبش می‌شود. این افراد برای ازدواج معیارهای گسترده و اغلب غیر واقع‌بینانه با جزئیات بسیار انتخاب و تصور می‌کنند طرف مقابلشان باید با تک تک این معیارها همخوانی داشته باشد و صرف‌نظر کردن از هر کدام از معیارها، برایش سخت و ناممکن است؛ به‌طوری که امکان تصمیم‌گیری را از وی سلب می‌کند و ازدواجش تا حد زیادی به تعویق می‌افتد تا شاید شرایط ایده‌آلی را که به دنبالش است، بیابد و در نهایت با توجه به اینکه همه افراد در بعضی ویژگی‌ها دچار کاستی و ضعف هستند و هیچ انسان بدون نقصی را نمی‌توان یافت، فرد کمال‌گرا در یافتن چنین شخصی برای ازدواج دچار شکست و همین امر احتمالاً موجب بیزاری وکاهش رغبت او به ازدواج می‌شود. از آنجا که در کمال‌گرایی جامعه‌محور فرد باور دارد که دیگران و جامعه برای او معیارها و انتظارات افراطی در نظر گرفته‌اند و خود را ملزم به برآورده ساختن این معیارها می‌داند(هویت و فلت، ۱۹۹۱)، ممکن است فرد تصور کند در صورت انتخاب همسر نامناسب، مورد قضاوت و انتقاد دیگران قرار خواهد گرفت و چون عقاید و

تأیید دیگران برای او به طرز افراطی مهم است، احتمالاً به جای اینکه فرد مناسب خود را بر اساس خواسته‌ها و معیارهای خود انتخاب کند؛ به این بیاندیشد که در صورت انتخاب چه کسی بیشتر تأیید دیگران را به دست می‌آورد و یا در صورت انتخاب یک شخص، نظر بقیه چه خواهد بود و به دلیل ترس از مورد قضاوت دیگران واقع شدن، ممکن است ازدواج خود را به تأخیر بیاندازد. همین‌طور فرد کمال‌گرا می‌تواند چنین دیدی را نسبت به طرف مقابل خود نیز داشته باشد و به علت نگرانی از اینکه نکند رفتارهایش مورد انتقاد او قرار گیرد و ترس از اینکه فرد کاملی برای همسر خود نباشد و تصور اینکه نتواند انتظارات او را برآورده سازد، منجر به دوری‌گزینی او از ازدواج و کاهش تمایلش شود.

طبق نتایج بین مؤلفه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی نیز در ارتباط با رغبت به ازدواج، رابطه معناداری دیده شد. این یافته با پژوهش چسلی، فراهانی و مرواریدی(۱۴۰۱) و نیز تا حدودی با پژوهش حسینیان، صالحی و یزدی(۱۴۰۱) همسوست. از آنجا که تصمیم‌گیری برای ازدواج در گرو در نظر گرفتن جوانب مختلف از جمله سازگاری با شرایط فرد دیگر، مستقل شدن روانی و عاطفی از والدین، بر عهده گرفتن مسئولیت‌های زندگی مشترک، در نظر گرفتن راه‌حل‌های گوناگون برای چالش‌های زندگی است؛ ویژگی شخصیتی افراد منعطف به‌گونه‌ای است که واقعیت را می‌پذیرند و بهتر می‌توانند خود را با شرایط سازگار کنند و نسبت به امر ازدواج، معیارهای غیر واقع‌بینانه و دور از واقعیت برای خود وضع نمی‌کنند. همچنین این ویژگی توانایی فرد را در انتخاب عملی در بین گزینه‌های مختلف که مناسب‌تر است، افزایش می‌دهد و فرد را قادر می‌کند درک متعادل‌تر و سازگارتر را با افکار ناسازگار جایگزین کند و شرایط ورود به زندگی مشترک و تشکیل یک خانواده مستقل را تسهیل می‌کند. در این افراد به دلیل داشتن چنین ظرفیت و توانایی، احتمال اینکه رغبت بیشتری به داشتن رابطه پایدار و همراه با تعهد و صمیمت مانند ازدواج داشته باشند، وجود دارد. از آنجا که متغیر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی توانست در رابطه کمال‌گرایی با رغبت به ازدواج نقش تعدیل‌گری داشته باشد، در نتیجه می‌تواند رابطه بین کمال‌گرایی و رغبت به ازدواج را شدت یا کاهش دهد. همان‌گونه که در پژوهش(آتایتر و اکیچی، ۲۰۲۰؛ بریمانی و کشوری، ۱۴۰۰؛ آکوس چوتوک، ۲۰۲۰) نیز مشاهده شد،

بیـن کمال‌گرایـی و انعطاف‌پذیـری روان‌شـناختی رابطـه منفـی معنـادار وجـود دارد. بنابراین انعطاف‌پذیری شناختی باعث می‌شود فرد کمال‌گرا بتواند استانداردها و انتظارات خود را مطابق با خواسته‌های موقعیتی و واقعیت تغییر دهد، از وجود استرس در زندگی اجتناب نکند و قدرت تحمل آن را داشته باشد و زمانی که با فردی برای ازدواج روبه‌رو می‌شود که بخشی از معیارهای ایده‌آل‌گرایانـه او را نـدارد؛ می‌توانـد با خودآگاهی و شـناخت نقاط ضعف خـود، انتظاراتش را بر مبنای ملاک‌های واقع‌بینانه‌تری شکل دهد و در نتیجه، اصلاح باورها و نگرش‌ها موجب کاهش انتظارات بدبینانه و ایده‌آل‌گرایانه از ازدواج و افزایش انتظارات واقع‌گرایانه می‌شود. همچنین این اجازه را به فرد می‌دهد تا چهارچوب فکری خود را به طرز مثبتی بازسازی کند و در نتیجه ظرفیت او در سازگاری و بهبودی از استرس و دشواری‌های زندگی افزایش می‌یابد و اجازه نمی‌دهد تفکر غیرمنطقی و محدود او مانع انتخاب همسر مناسب و عدم گرایش او به ازدواج شود. در مقابل، عـدم انعطـاف روانی احتمال عدم پذیرش تجربه شکسـت و چسـبیدن به معیارهـای ذهنی از پیـش تعیین‌شـده را افزایـش می‌دهـد و در نتیجه رغبت فرد بـه تجربه عملی ماننـد ازدواج که نیازمند سازگاری و انعطاف بسیار است، ممکن است کاهش یابد.

بـا در نظـر گرفتـن اهمیت ایـن یافته‌ها می‌تـوان دوره‌های آموزشـی و اطلاع‌رسـانی برای جوانان مجرد در شرف ازدواج برگزار شود، نقش ابعاد منفی کمال‌گرایی و تأثیر آن بر دوره‌های مختلـف زندگـی بیـان و آموزش‌هایی برای ایجاد و افزایش سـازگاری و تفکر انعطاف‌پذیر ارائه شود. همچنین با توجه به اهمیت نقش والدین و خانواده در شکل‌گیری کمال‌گرایی، می‌توان برنامه‌ای آموزشی برای کمک به خانواده‌ها برای نشان دادن چگونگی نقش والدین در ایجاد این ویژگی و پیشگیری از آن تدوین شود. از آنجا که جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دختر مجرد دانشـگاه الزهرا تشـکیل می‌دهند، تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق به سایر گروه‌ها و به‌ویژه پسـران باید با احتیاط صورت گیرد. بنابراین پیشـنهاد می‌شـود در پژوهش‌های آتی برای افزایش قدرت تعمیم‌پذیری یافته‌ها، به بررسی متغیرهای فوق در گروه‌های غیردانشجو نیـز پرداختـه و بـرای تکمیـل یافته‌هـا از مصاحبـه و سـایر روش‌های گـردآوری اطلاعـات نیز استفاده شود.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله هیچ گونه تعارض منافعی ندارد.

سپاسگزاری

از شرکت‌کنندگان در این پژوهش و تمام کسانی که ما را در این امر یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی می‌شود.

فهرست منابع

الف: منابع فارسی

۱. اکبرزاده، سمیرا و کیانوش زهراکار(۱۴۰۱)، «پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی و خود شفقت‌ورزی در زوجین»، فصلنامه ایده‌های نوین روانشناسی، دوره ۱۲، ش ۱۶، ص ۱۶ ـ ۱.

۲. انتظاری، اردشیر و احمد غیاثوند و فاطمه عباسی(۱۳۹۶)، «عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۳۳، ص ۲۳۴ ـ ۲۰۱.

۳. بریمانی، ابوالقاسم و شیوا کشوری(۱۴۰۰)، «رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و کمال‌گرایی با نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی در کارکنان سازمان بنادر و دریانوردی»، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش علوم دریایی، دوره ۸، ش ۲۵، ص ۱۳۰ ـ ۱۱۸.

۴. پالانی، راضیه(۱۳۹۵)، «تبیین مدل معادلات ساختاری بر اساس نظام ارزشی و کمال‌گرایی با تمایل به ازدواج در دانشجویان مجرد کارشناسی دانشگاه کردستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.

۵. پهلوان‌زاده، فرشاد و زهرا تقی‌یار و ژاله رفاهی(۱۳۹۸)، «بررسی اثربخشی مهارت حل تعارض بر رغبت و تمایل به ازدواج و ابعاد آن در دختران مجرد»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و مطالعات خانواده، ش ۴۵، ص ۴۳ ـ ۲۹.

۶. سالنامه آماری(۱۳۹۰)، سازمان ثبت احوال کشور.

۷. حبیب‌پور گتابی، کرم و غلامرضا غفاری(۱۳۹۰)، «علل افزایش سن ازدواج دختران»، فصلنامه علمی پژوهشی زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، ش ۱، ص ۳۴ ـ ۷.

۸. حسینیان، سیمین و هما صالحی و سیده منور یزدی(۱۴۰۰)، «رابطه انعطاف‌پذیری شناختی و ازدواج موفق: نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان»، ماهنامه علمی ترویجی رویش روانشناسی، ش ۶۵، ص ۱۰۲ ـ ۹۳.

۹. حیدری، محمود و محمدعلی مظاهری و حمیدرضا پوراعتماد(۱۳۸۳)، «ساخت و هنجاریابی پرسشنامه رغبت سنج ازدواج، نسخه دانشجویی(پرساد)» فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی، ش ۳۱، ص ۲۶۱ ـ ۲۵۰.

۱۰. رضاخانی، سیمین‌دخت و ربابه نوری قاسم‌آبادی و مژگان جان‌بخش(۱۳۸۹)، «رابطه کمال‌گرایی با باورها و انگیزه‌های ازدواج در دانشجویان دانشگاه تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و مطالعات خانواده، ش ۱۰، ص ۷۴ ـ ۶۱.

۱۱. روشن چسلی، رسول و حجت‌الله فراهانی و مریم مرواریدی(۱۴۰۲)، «برازش مدل ساختاری رابطه بین سبک‌های دلبستگی و طرح‌واره‌های هیجانی با توجه به متغیرهای میانجی نظم‌جویی هیجانی و انعطاف‌پذیری شناختی با رغبت به ازدواج»، دو فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی بالینی و شخصیت، دوره ۲۱، ش ۱، ص ۷۲ ـ ۵۷.

۱۲. صالحی، هما و سیمین حسینیان و سیده منور یزدی(۱۴۰۱)، «مدل‌یابی رابطه انعطاف‌پذیری شناختی و خودمتمایزسازی با ازدواج موفق: نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان»، فصلنامه علمی خانواده درمانی کاربردی، دوره ۳، ش ۳، ص ۱۰۱ ـ ۸۰.

۱۳. صفری، سمیرا(۱۳۹۲)، «بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده تمایل به ازدواج در پسران شهر اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.

۱۴. طیبی‌نیا، موسی(۱۳۹۳)، «میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن» فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ش ۱۶، ص ۸۶ـ ۶۳.
۱۵. عبداللهی، عباس و ازاده طاهری(۱۳۹۸ش)، مدل‌سازی معادله‌های ساختاری با نرم‌افزار آموس، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

ب. منابع لاتین

1. Atayeter, B. (2020). Ebeveynlerin bilişsel esneklik ve mükemmeliyetçilik düzeyleri ile okul öncesi Zaim Üniversitesi, *Sosyal Bilimler Enstitüsü, Eğitim Bilimleri Anabilim Dalı.*
2. Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator–mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *J Pers Soc Psychol*, 1986, 51: 1173-1182.
3. Crosby, J. M., Armstrong, A. B., Nafziger, M. A., & Twohig, M. P. (2013). *Using Acceptance and Commitment Therapy to treat perfectionism in college students*.
4. Crosby, J. M., Bates, S. C., & Twohig, M. P. (2011). Examination of the relationship between perfectionism and religiosity as mediated by psychological inflexibility. *Current Psychology*, 30, 117-129.
5. Dennis, J. P., & Vander Wal, J. S. (2010). The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive therapy and research*, 34(3), 241-253.
6. Dimitrovsky, L., Levy-Shiff, R., & Schattner-Zanany, I. (2002). Dimensions of depression and perfectionism in pregnant and nonpregnant women: Their levels and interrelationships and their relationship to martial satisfaction. *The Journal of psychology*, 136(6), 631.
7. Dixon DC. (2013). Christian spirituality and marital health: A phenomenological study of longterm marriages. Liberty University.
8. Eichorn, N., Marton, K., & Pirutinsky, S. (2018). Cognitive flexibility in preschool children with and without stuttering disorders. *Journal of fluency disorders*, 57, 37-50.
9. Flett, G. L., Hewitt, P. L., Shapiro, B., & Rayman, J. (2018). Perfectionism, beliefs, and adjustment in dating relationships. *In Love, Romance, Sexual Interaction* (pp. 31-60). Routledge.
10. Greco, L. A., Lambert, W., & Baer, R. A. (2008). Psychological inflexibility in childhood and adolescence: development and evaluation of the Avoidance and Fusion Questionnaire for Youth. *Psychological assessment*, 20(2), 93.
11. Hamachek, D. E. (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism. *Psychology: A journal of human behavior*.
12. Haslam, C., & Montrose, V. T. (2015). Should have known better: The impact of mating

experience and the desire for marriage upon attraction to the narcissistic personality. *Personality and Individual Differences*, 82, 188-192.
13. Horwitz, A. V., White, H. R., & Howell-White, S. (1996). Becoming married and mental health: A longitudinal study of a cohort of young adults. *Journal of Marriage and the Family*, 895-907.
14. Hewitt, P. L., & Flett, G. L. (2002). *Perfectionism and stress processes in psychopathology*. Tuncay, E. (2006). Predictive role of perfectionism on marital adjustment (Master's thesis, Middle East Technical University).
15. Kreider, R. M., & Ellis, R. (2011). Current population reports. *Washington, DC: US Census Bureau*, 70-126.
16. Mahay, J., & Lewin, A. C. (2007). Age and the desire to marry. *Journal of Family Issues*, 28(5), 706-723.
17. Marks, N. F., & Lambert, J. D. (1998). Marital status continuity and change among young and midlife adults: Longitudinal effects on psychological well-being. *Journal of family issues*, 19(6), 652-686.
18. Martin, J. L., & Ashby, J. S. (2004). Perfectionism and fear of intimacy: Implications for relationships. *The Family Journal*, 12(4), 368-374.
19. Servaty, L., & Weber, K. (2011). *The relationship between gender and attitudes toward marriage*.
20. Stoeber, J. (2012). Dyadic perfectionism in romantic relationships: Predicting relationship satisfaction and longterm commitment. *Personality and Individual Differences*, 53(3), 300-305.
21. Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2014). Using multivariate statistics new international edition. *Pearson*, 2012, 1055.
22. Tuncay, E. (2006). *Predictive role of perfectionism on marital* adjustment (Master's thesis, Middle East Technical University).